

بررسی آسیب‌شناسی وضعیت اقتدار پیرسالاری و اقتدار مدنی در عرصه عمومی و پیامدهای آن، با رویکرد به نزاع‌های دسته‌جمعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های باغملک و رامهرمز)

دکتر منوچهر کردزنگنه^۱

تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۲

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی وضعیت اقتدار با تأکید بر نزاع‌های دسته‌جمعی و تحقیقی توصیفی است. گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و مطالعه روی ۱۰۰ مورد نزاع جمعی به‌عنوان نمونه، ۴۰ مورد باغملک و ۶۰ مورد رامهرمز صورت گرفته است. دیگر نمونه‌ی تحقیق ۱۶ مورد برگزاری گردهمایی با تمایل قومی و مدنی در باغملک و ۱۹ مورد در رامهرمز صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که پیامد نزاع از جمله قتل در روستاهای باغملک بیش از شهر و برابر ۸۱/۲۵ درصد می‌باشد. یافته‌ها وضعیت نزاع در شهر رامهرمز را ۷۵ درصد و پیامد نزاع از جمله قتل در شهر را برابر با ۸۸/۹۵ درصد نشان می‌دهد. نکته‌ی حائز اهمیت اینکه وضعیت نزاع و پیامد نزاع به ترتیب در شهر رامهرمز و روستاهای باغملک، بیش از شهر باغملک و روستاهای رامهرمز نگران‌کننده است. یافته‌ها گرایش به طایفه در شهرستان باغملک و رامهرمز را بیش از ۶۳ درصد در مقابل ۳۷ درصد گرایش به نهادهای مدنی نشان داده‌اند. با اینکه نقش میانجی «اقتدار پیرسالاری» رو به دگرگونی رفته است، اما نتایج نشان داده‌اند که تمایل به طایفه‌گرایی پررنگ‌تر، نزاع و خشونت رو به افزایش و توسعه‌ی مدنی پایدار کم‌رنگ‌تر بوده است. در نتیجه عرصه‌ی عمومی با وضعیت «پاندولی» و بعضاً «تعلیق اقتدار» و با کاهش سرمایه‌ی اجتماعی گرفتار است. با ادامه‌ی چنین وضعیتی بروز نزاع و خشونت دور از انتظار نخواهد بود. وضعیتی که نگران‌کننده و قابل هشدار است.

مفاهیم کلیدی: اقتدار پیرسالاری، اقتدار مدنی، عرصه‌ی عمومی، نزاع دسته‌جمعی، باغملک، رامهرمز

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر m.kord@ymail.com

مقدمه و بیان مسأله

هدف این مقاله بررسی آسیب‌شناسی وضعیت اقتدار ریش‌سفیدی و مدنی در عرصه‌ی عمومی، با رویکرد به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان‌های باغملک و رامهرمز است. باغملک و رامهرمز از جمله شهرستان‌های استان خوزستان هستند، که در شرق استان واقع شده‌اند. وضعیت عمومی شهرها و روستاهای مورد مطالعه با محرومیت بالا و سطح توسعه‌ی محدود روبرو است. گرچه شهرها و روستاها پدیده‌ی نوسازی و «مدرنیزاسیون» را تجربه کرده‌اند، اما لزوماً توسعه‌ی پایدار تحقق پیدا نکرده است. روند مهاجرت ناهمگون و نابسامان جامعه‌ی روستایی بسوی مناطق شهری شتاب‌آلود است (کردزنگنه، ۱۳۸۵: ۶۲). از جمله دوره‌های پر شتاب مهاجرت روستایی، یکی به بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ می‌توان اشاره کرد، دوره‌ی دیگری که با شتاب بیشتر مهاجرت روستایی به مناطق شهری، همراه بود بعد از پایان جنگ عراق و ایران بوده است؛ که علاوه بر مهاجرت روستایی، مهاجرفرستی از شهرها به مرکز استان خوزستان و دیگر استان‌های کشور را به دنبال داشته است. این روند مهاجرت بر نحیف شدن طبقه‌ی متوسط شهری و روستایی اثرات منفی به جا گذاشته است. مسئله‌آمیزترین پیامد مهاجرت، محروم شدن مناطق کمتر توسعه یافته در برخورداری از نیروی انسانی با کیفیت بالاتر و مجرب‌تر است. خوزستان در بعد برون‌کوچی نمونه‌ی بارزی از این وضعیت است (ارشاد و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۰۸). در ساختار اجتماعی وضعیت موجود نظم سنتی متأثر از اقتدار «ریش‌سفیدی» دگرگون گردیده است. در نتیجه در عرصه‌ی عمومی وضعیت اقتدار یک وضعیت «پاندولی» متصور است. زیرا در سال‌های اخیر در عرصه‌ی عمومی، شهرهای مذکور و برخی روستاهای توابع آنها شاهد بروز مشکلات و مسایل اجتماعی بوده‌اند. که برخی به شکل نزاع و درگیری‌های جمعی در روستاها و نزاع خیابانی در شهرها نمود پیدا کرده است. به عبارتی عرصه‌ی عمومی با نزاع و خشونت اجتماعی روبروست. دیگر پیامدهای مترتب بر چنین وضعیتی از جمله مهاجرت، آتش زدن به منزل و وسایل نظیر خودرو و ... در سال‌های اخیر در شهر و روستاهای مورد مطالعه قتل، خشونت و ضرب و جرح شدن نیز اتفاق افتاده است. تنها در شهریور ۱۳۹۴ در یک نزاع جمعی بین مردم روستای پتک جلالی توابع شهرستان باغملک یازده فقره قتل و سی نفر مجروح اتفاق افتاده است. پیامدها و ادامه‌ی خشونت و قتل این مناطق روستایی تا ۱۳۹۵ همچنان پایان‌نیافته است. علاوه بر موارد اشاره شده، خشونت و قتل در دیگر ابعاد اجتماعی نیز اتفاق افتاده است. قتل دو فرزند توسط پدر، قتل زن توسط همسر در شهر رامهرمز، قتل یک جوان توسط پسر خاله، قتل یک کودک در یک

نزاع جمعی در روستاهای توابع صیدون و باغملک و ... در عرصه‌ی عمومی دو شهر باغملک و رامهرمز نزاع‌های خیابانی رو به افزایش است؛ اقتدار پدرسالاری رو به زوال است ولی تخصص‌گرایی در قالب انجمن‌ها و نهادها، جایگزین مناسبات خویشاوندی نشده است لذا تمایل به طایفه‌گرایی در مقایسه با تمایل به سازمان‌های مردم‌نهاد پررنگ‌تر متصور است. به‌عبارتی با شهروندمداری به‌عنوان الگویی از جامعه‌ی مدرن فاصله وجود دارد. در روستاها علاوه بر نزاع‌های دسته‌جمعی در چند نوبت و چند مورد ترانس برق چاه‌های آب کشاورزی در برخی روستاهای شهرستان باغملک شبانه توسط افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند. در روستای گندمکار توابع صیدون بطور شبانه درختان باغات گردو را بریده‌اند. چنین حوادثی امنیت، مناسبات اجتماعی و سرمایه‌گذاری و تولید را آسیب پذیر و تحت‌الشعاع خشونت‌های اجتماعی و توسعه‌نیافتگی در عرصه‌ی عمومی قرار می‌دهد. زیرا عرصه‌ی عمومی، عرصه‌ای شکننده است. بنابراین مطالعه و پرداختن به چگونگی اقتدار در عرصه‌ی عمومی اهمیت و ضرورت دارد. بررسی آن از منظر توسعه قابل واکاوی است. لذا در این مقاله وضعیت اقتدار در عرصه‌ی عمومی و پیامد وضعیت موجود اقتدار بر خشونت اجتماعی در راستای مسئله‌ی اجتماعی بودن وضعیت، مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

هدف این مقاله بررسی آسیب‌شناسی وضعیت اقتدار در عرصه‌ی عمومی با رویکرد به نزاع‌های دسته‌جمعی است. معمولاً نزاع بین بیش از سه نفر را نزاع جمعی تلقی می‌کنند. نزاع جمعی و پیامدهای آن در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی تازه‌گی ندارد. بر چگونگی و چرایی آنها رهیافت‌های متفاوتی وجود دارد. به چهره‌هایی چون توماس هابز، جان لاک، مارکس، دورکیم، ماکس وبر و مرتن و ... می‌توان اشاره کرد.

جامعه‌ی ایران از یک‌سو با خانواده‌ی گسسته و فروپاشیده و از سوی دیگر با خانواده‌ی مدنی روبرو می‌باشد (قانع‌راد، ۱۳۹۶: ۹). این اتفاق در مناطق شهری و روستایی با سطح توسعه و طبقه‌ی اجتماعی توازی دارد. به دلیل اینکه تأمین منابع مرتبط با منزلت اجتماعی یا پایگاه خانواده در جامعه از انحصار مردان خارج شده است، زوال پدرسالاری را تشدید کرده است. دموکراتیک شدن خانواده بیانگر پیشرفت فرایند دگرگونی در ساختار قدرت در مقیاس خرد است. پیشرفت فرایند دموکراتیک شدن جامعه در سطوح مختلف با یکدیگر توازی دارد و این توازی باعث می‌شود که سطوح مختلف همدیگر را تقویت کنند. اعضای جامعه در سطح کلان خواهان مشارکت در فرایندهای قدرت و در سطح خرد به

دنبال مشارکت در تعیین سرنوشت خانواده‌ی خود هستند. گسترش خشونت‌ها اجتماعی و خشونت خانوادگی با یکدیگر ارتباط دارند؛ زمانی که فرایند دموکراتیک شدن جامعه با مقاومت نخبگان سیاسی مواجه شود ممکن است به خشونت اجتماعی بینجامد (همان: ۱۳). نزاع و جنگ، پیامد اجتماعی و آثار سو به دنبال دارد، هم از نشانه‌های توسعه‌نیافتگی و هم موانع توسعه بشمار می‌رود. مرگ کودکان، زنان، مردان، آواره شدن و جلای وطن و ... در گستره‌ی جهان پیش رو به چشم می‌خورد. رویکرد به توسعه نزد مدیران، نخبگان و فعالان سیاسی و مدنی فعال در ایران بیشتر متأثر از گفتمان کلاسیک توسعه می‌باشد. می‌توان نشانه‌ها و نمود آن را در تدوین برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه‌ی دولت‌ها، ردیابی کرد؛ لذا کمتر بر فهم حوادث خرد تأمل دارند. در حالی که به دلیل ناکامی نگاه‌های کلاسیک به توسعه‌ی پایدار، رهیافت‌های جدید توسعه با رویکرد پساخترارگرایانه یا پساتوسعه مطرح هستند؛ و بر نگاه‌های محلی و بومی تأکید دارند. به عبارتی نگاه منطقه‌ای و آمایش سرزمینی را مهم می‌دانند. زیرا توسعه‌بخشی، موجب نابرابری و قطبی شدن جامعه می‌شود. مسایل اجتماعی از جمله نزاع‌های جمعی را بدون توجه به ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی نمی‌توان واکاوی کرد. تأثیر فقر و بیکاری بر نزاع و خشونت مهم است. اما بعد دیگر مسئله‌ی اجتماعی، در فرو ریختن «اقتدار ریش‌سفیدی» متأثر از اقتدار سنتی و وضعیت «پاندولی» پیدا کردن اقتدار در عرصه‌ی عمومی متصور است که این امر نشان‌دهنده‌ی زوال سرمایه‌ی اجتماعی نیز می‌باشد (فیروزآبادی، و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۱). پیرسالاری شکلی از تشکیلات اجتماعی است که در آن افراد مسن بیشترین ثروت، قدرت و اعتبار اجتماعی را دارا هستند و مورد احترام اعضای جامعه بوده و جامعه را رهبری می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۱۶۳). بنابراین در شرایط موجود با زوال پیرسالاری از یک طرف و از سوی دیگر با نادیده انگاشتن سیستم مدیریت و سیاست‌گذاری در امر توسعه و عدم شکل‌گیری اقتدار مدنی در عرصه‌ی عمومی با رویکرد استقرار و ضرورت سازمان‌های مردم‌نهاد و قانونی موجب گردیده تا نگرانی جدی در بروز مسایل اجتماعی در وضعیت تعلیق اقتدار در عرصه‌ی عمومی متصور باشد. زیرا انسداد اجتماعی و سطح محدود توسعه و عدم شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد، موجب تقویت مناسبات قومی و گروهی می‌شود، برخی مشکلات مترتب بر زندگی امروزی، از جمله سختی ناشی از بیکاری، رکود و تورم اقتصادی بر کم‌حوصلگی فرد افزوده و موجب بالا رفتن پرخاشگری‌های فردی و سپس خشونت گروهی را به همراه خواهد داشت. در بعد اجتماعی بجای تربیت شهروند، هنوز فرد در عرصه‌ی عمومی از سنت و قوم‌هویت می‌گیرد، در حالی که در جامعه‌ی روستایی در

نهاد خانواده برخی ویژگی‌های اقتدار پیرسالاری متصور است، اما اقتدار سنتی برخاسته از عرصه‌ی عمومی دستخوش دگرگونی شده است. در حوزه‌ی عمومی جامعه‌ی روستایی و شهری «اقتدار ریش‌سفیدی» برخاسته از اقتدار سنتی دگرگون شده است. در روستاها و شهرها، به لحاظ رتبه و ایفای نقش، ریش‌سفید در حاشیه قرار گرفته است. اعتماد و همیاری در جامعه رو به سستی متصور است. برای این تغییر باید ساز و کار مناسب بوجود آید. ضمن احترام به ریش‌سفیدی، زمینه‌ی نهادهای جدید هموار گردد. همان‌گونه که پدران، با تجربه‌های مهم زیست‌جهانشان (و ضرورت کارکردی) در جامعه‌ی سنتی ذیل گفتمان ایل و حفظ و احترام اقتدار ریش‌سفیدی قادر به ادامه‌ی حیات بودند. این روش زیست، یک امتیاز و ضرورت کارکردی بوده است. به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی بوده است. در شرایط بروز مسئله‌ی اجتماعی، همان صاحبان اقتدار ریش‌سفیدی، پنجره‌های گفتگو را برای وساطت و پا در میانی دیگر همجواران برای حل منازعه باز نگه می‌داشتند و به گفتگو و مذاکره تن می‌دادند. حال که به حسب دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، اقتدار ریش‌سفیدی یا پیرسالاری با ناکارکردی روبرو گشت، انتظار این است که نسل جوان و تحصیل‌کرده در راستای این تغییرات از ذیل ادبیات اقتدار سنتی، که تحول پیدا کرده است به تعلقات صنفی و مدنی گرایش پیدا کند؛ و با احترام و پذیرش دیگری، انعطاف داشته باشند، و بر پایه‌ی زیست مسالمت در کنار دیگری زندگی نمایند. برای تحقق چنین پنداشتی نقش سیاست‌های توسعه‌ای از سوی دولت، نظام مدیریت و نظام آموزشی مهم است. در متن رخدادهای ارتباطی نظام آموزشی عنصر رواداری در عرصه‌ی تعلیم و تربیت کم‌رنگ و در حاشیه قرار دارد. در حالی که یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های توسعه رواداری و مدارا است. برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهند که نگاه مدیران و حاکمان به توسعه همچنان نگاه عباس میرزایی و امیر کبیری به توسعه است. رویکردی عمدتاً سخت‌افزاری و توأم با امنیتی به توسعه بوده و همچنان نیز ادامه دارد. لذا با توسعه‌ی پایدار فاصله داریم. کلید فهم جغرافیای جدید خلاقیت و تأثیر آن بر نتایج اقتصادی بر چیزی قرا می‌گیرد که من آن را سه حرف T توسعه‌ی اقتصادی می‌نامم: تکنولوژی، توانایی (استعداد) و تحمل (رواداری و پذیرش دیگری) اعضای طبقه‌ی خلاق در مکان‌هایی که دارای هر سه این عوامل مهم هستند، ریشه پیدا می‌کنند. هر کدام لازم است، ولی به تنهایی شرط کافی نیست. من تحمل را گشاده‌رویی، فراگیری و تنوع برای همه‌ی قومیت‌ها، نژادها و قوم‌های زنده تعریف می‌کنم. افراد دارای استعداد و ذوق به مکان‌هایی کشیده می‌شوند که از پذیرش دیگری و تحمل برخوردار باشند (فلوریدا، ۱۳۹۰):

۸۴-۸۵). به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی در سطح جامعه، زمانی بالا خواهد بود که بین افراد در گروه‌های مختلف پیوندهای مثبت و مبتنی بر اعتماد وجود داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۷۷). سرمایه‌ی قوم و تبار قابل احترام است، در جامعه‌ای که نوسازی و "مدرنیزاسیون" را تجربه کرده است، یکجانشین روستایی و شهرنشین شده است، اما به لحاظ معرفت‌شناختی و پنداشت‌ها در مرحله‌ی ورود به "شهرگرایی" قرار دارد، پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌ها را در عرصه‌ی عمومی بر دوش قوم و طایفه قرار دادن، موجب ناکارکردی می‌شود. محلی‌گرایی خود یک رویکرد به توسعه است که می‌تواند مثبت باشد. با طایفه‌گرایی نیز متمایز است. توسعه عبارت است از توازن قدرت اجتماعی و مدنی با قدرت سیاسی است. در همین راستا می‌توان گفت که اقتدار عبارت است از قدرت مشروع، قدرت تصرف شده همراه با تصدیق افراد ذیربط (زاهدی، ۱۳۹۲: ۴۸). به عبارتی جامعه‌ای که با گفتمان دموکراسی از تکثر قدرت و اقتدار برخوردار باشد. در چنین شرایطی است که می‌توان اهمیت حوزه‌ی عمومی را متصور شد. زیرا حوزه‌ی عمومی، عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند (هابرماس، ۱۳۸۵: ۲۶). در حالی که در شرایط موجود، در حوزه‌ی عمومی جامعه روستایی و شهری، یک وضعیت "تعليق اقتدار" و تعویق وجود دارد. نه از «اقتدار پیرسالاری» برخوردار است که امکان بازتولید آن وجود ندارد. نه از اقتدار مدنی و سازمان‌های مردم نهاد برخوردار است. بین اقتدار ریش‌سفیدی و اقتدار نهادهای مدنی و قانونی، وضعیت "پاندولی" متصور است؛ که بر واکنشی بودن به وضعیت‌ها می‌تواند زمینه‌ی بروز مشکلات اجتماعی گردد. سنخ‌شناسی سه گانه‌ی اقتدار قانونی - عقلانی، سنتی و فرهنگدانه به وسیله‌ی وبر برای چارچوب بیشتر مطالبی بود که در حوزه‌های بررسی جامعه‌شناسانه بیان داشت (استونز، ۱۳۷۹: ۶۶)؛ لذا هر چه از خط توسعه، از شمال شهر به جنوب شهر، یا از مرکز به پیرامون حرکت نمایید، به تدریج تنش و خشونت و نزاع در عرصه‌ی عمومی بیشتر مشاهده می‌شود، در چنین وضعیتی سرمایه‌ی اجتماعی پایین خواهد بود. زیرا سرمایه‌ی اجتماعی با پشتوانه‌ی اعتماد در سطح نرمال و بالاتر سبب می‌شود، چنانچه منازعه شکل گیرد، طرفای منازعه برای حل اختلاف به دستگاه قضا و امنیتی مراجعه نمایند. با بودن ظرفیت مدنی برای حل منازعه با وساطت نهادها زمینه‌ی گفتگو را فراهم می‌نمایند. به عبارتی انتظار می‌رود در حوزه‌ی عمومی با بستر کنش ارتباطی مورد تأکید هابرماس، در قالب نهاد مدنی زمینه‌ی مصالحه‌ی بی‌خشونت حاصل شود. جوامع توسعه‌یافته با شکل‌گیری نهادهای مدنی و تقویت قدرت اجتماعی در توازن با قدرت سیاسی بر فهم پیشگیری مسائل اجتماعی به نتیجه دست پیدا

کردند. نوعی آینده‌پژوهی را در دستور علمی قرار داده‌اند. در حالی که جامعه‌ی امروز ایران و شهرستان‌های مورد مطالعه با وضعیت پیش آمده در ایجاد مسایل اجتماعی درگیر است. به طور نمونه با ادامه‌ی پیامد حادثه‌ی روستای پتک جلالی در سال ۱۳۹۴ که پیامدهای اجتماعی بر ساکنان و همجواریان داشته است، همچنین به مناطق شهر رامهرمز و باغملک تسریع پیدا کرده است. در آبان ۹۵ ریشه‌های حادثه‌ی سال قبل موجب گردیده تا سه فقره قتل و تعدادی مجروح نیز اتفاق افتد، لذا ادامه‌ی بازتولید خشونت و پیامدهای اجتماعی چنین نزاع‌هایی همچنان دور از انتظار نیست. زیرا وضعیت «تعليق اقتدار» و بلا تکلیف ماندن نهادهای مدنی در عرصه‌ی عمومی موجود جامعه‌ی شهر و روستا، بیانگر سرمایه‌ی اجتماعی پایین و محدودیت آزادی شکل‌گیری نهادهای مدنی است، وضعیتی که نگران‌کننده به نظر می‌رسد. زیرا با ناکارکردی «اقتدار پیر سالاری» و عدم استقرار نهادهای مدنی، و وضعیت عدالت اجتماعی در میان طبقات جامعه امکان کنش ارتباطی و گفتگو ضعیف، لرزان و شکننده خواهد بود. با انسداد اجتماعی و به تعویق و تأخیر انداختن فرایند شکل‌گیری نهادهای مدنی هزینه‌های ناشی از بروز مشکلات عرصه‌ی عمومی بالا می‌رود. به عبارتی با تعليق نهادهای مدنی بروز و تشدید بحران‌های اجتماعی نیز متصور است. هزینه‌های روانی و عاطفی، امنیتی، برخورداری از احترام و ... را بالا می‌برد. بروز پیامدهای اجتماعی دور از انتظار نمی‌باشد. در چند سال اخیر در جامعه‌ی ایران و بطور مشخص در شهرهای مورد مطالعه در شرایطی که به احزاب و تشکل‌های مدنی به راحتی امکان فعالیت داده نمی‌شود، گردهمایی قومی در برخی شهرستان‌ها از جمله باغملک، رامهرمز، صیدون، حومه‌ی بهبهان، شوشتر و ... برگزار شده است. فارغ از قضاوت، که نشست هر جمعی لزوماً منفی نیست، و از حقوق اجتماعی آنهاست، اما تحقیقات گسترده‌ای درباره‌ی آنچه سرمایه‌ی اجتماعی منفی خوانده می‌شود صورت گرفته است که جملگی نشان می‌دهد پیوندهای همگون در اجتماعات شدیداً بسته در برگیرنده‌ی برخی خصیصه‌های منفی نظیر محل‌گرایی، طرد، قلدربابی و بی‌اعتمادی به بیرونی‌هاست (فرلندر، ۲۰۰۷؛ به نقل از فیروزآبادی، و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۰). برگزاری گردهمایی طایفه‌ای در غیاب دیگر نهادها، موجب برجسته شدن هویت‌ها و قطبی شدن گروه‌ها در یک آرایش قومی می‌شود هویت قومی، جایگزین عنصر شهروندمداری قرار می‌گیرد؛ و چون نیازهای جامعه‌ی مدرن بر پایه‌ی قوم مترتب می‌شود. در عمل در راستای ایفای نقش، از ارابه‌ی کارکردهای مشابه نهادهای مدرن ناتوان و ناکارکرد خواهد بود. چون در جامعه عنصر فرد معنا پیدا کرده است؛ لذا وضعیت طایفه‌گرایی در عرصه‌ی عمومی با یک وضعیت دوگانه گرفتار است. در

نتیجه می‌بایست به مطالبات قومی و گروهی در عرصه‌ی عمومی با اولویت شهروندمداری، در قالب نهادها و احزاب و عدالت اجتماعی پوشش و پاسخ داده شود. برجسته‌ترین مؤلفه و نشانه‌ی توسعه، شهروندمداری می‌باشد، انعطاف و تحمل‌پذیری از دستاوردهای شهروندمداری است. البته ذکر این نکته لازم است که تشکیل برخی انجمن‌ها به‌عنوان انجمن زادگاهی می‌تواند مثبت و مؤثر باشد و خود نشانه‌ای از تکثر می‌باشد. می‌تواند نقشی سازنده در توسعه‌ی اجتماعات مبدأ یا زادگاه ایفا کند، مانند انجمن دریانی‌های تهران که نقش مهم و تأثیرگذاری در توسعه‌ی روستای دریان ایفا کرده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۷: به نقل از فیروزآبادی، و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۶). بنابراین بحث انجمن‌ها از نشانه‌های مدنی است، با مقوله‌ی طایفه‌گرایی نیز منافات دارد. آشکار شدن طایفه‌گرایی در عرصه‌ی عمومی شاید خود واکنشی به احساس محرومیت و تبعیض در بین اعضاء یک جامعه‌ی بزرگتر باشد. همان‌گونه که در جریان اصلاحات ارضی خوش‌نشینان به دلیل نداشتن نسق و محروم شدن از زمین نسبت به عرصه‌ی عمومی روستا واکنش منفی نشان داده‌اند. بنابراین تنها یک نظام رفاهی که به سود اکثر مردم باشد یک اخلاق مشترک شهروندی پدید می‌آورد (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در جریان انتخابات که یک عرصه‌ی عمومی است، وجود احزاب و تشکل‌های مردمی که نشانه‌ی توسعه‌ی سیاسی است و ضرورت حیات و بقای اجتماعی جوامع مدرن است، در غیاب احزاب، برخی در ذیل و سایه‌ی تبار و قوم به جذب رأی نظر دارند، بر تقویت مسایل قومی و کارکرد قوم بجای حزب، جامعه‌ی آبستن حوادث و ناکارکردی سیستمی روبرو خواهد شد. در حالی که پدیده‌ها و سپس مسایل اجتماعی را از رهیافت توسعه و معناهای متبادر در ذهن کنشگران در بافت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی می‌بایست تحلیل و تبیین کرد. در امر سیاست‌گذاری و فرایند توسعه‌ی پایدار سطح پیرامون و خرد را مهم و با اهمیت بدانیم. که در نگاه پسا توسعه‌گرایی قابل ردیابی است. گفتمان توسعه‌ی مردم‌گرا یا پسا توسعه‌گرایی از دهه‌ی ۱۹۸۰، مطرح شد. «اسکوبار»^۱ که از شناخته‌ترین چهره‌های پسا توسعه می‌باشد، معتقد است که مکتب پسا توسعه علاقه‌مند به جستجو برای راه‌های جایگزین برای توسعه بر اساس فرهنگ و دانش محلی است. با محور قرار دادن مردم و سازمان‌های غیر دولتی، توسعه را از پایین به بالا و از درون جامعه به پیش می‌برد. از رویکرد یک‌طرفه بالا به پایین در گفتمان توسعه به رویکرد دو طرفه و متقابل پایین به بالا و بالا به پایین تغییر کند. پنج اصلی که مبنای توسعه‌ی مردمی را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: نیازهای اساسی که بر مبنای نیاز مردم و

^۱ Escobar

نه دولت انتخاب شده، تمرکززدایی که بر اساس گفتمان مردمی و مدل توسعه‌ی بومی و انتقال وظایف از دولت به مردم بیان شده، تأکید و اهمیت نقش سازمان‌های غیر دولتی، مشارکت و توانمندسازی مردمی و مورد پنجم، اهمیت نقش جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸-۵۳). مناطق کمتر توسعه‌یافته و یا در حاشیه قرار داشتن از جمله مناطق روستایی و محروم، که معمولاً با نابرابری روبرو هستند، را می‌توان از منظر گفتمان پسا توسعه مورد توجه قرار داد.

پیشینه پژوهش

تحقق توسعه‌ی اجتماعی و مدنی با نمود ارزش‌های شهروندمداری در عرصه‌ی عمومی آشکار می‌شود. از جمله امکان گفتگو و روداری را به دنبال دارد. در شرایط موجود بروز خشونت ناشی از نزاع‌های دسته‌جمعی می‌تواند نشانه‌ای از فاصله با توسعه‌ی اجتماعی و سیاسی را متصور باشد. لذا در این قسمت به تحقیقاتی که به موضوع نزاع نظر داشته‌اند اشاره می‌شود.

الف) تحقیقات داخلی

نیکدل و دیگران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویر احمد نشان دادند که بین متغیرهای خشم صفت - حالت و گرایش به نزاع دسته‌جمعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در حالی که بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته‌جمعی ارتباط منفی و معناداری وجود داشت (نیکدل و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۱۷). پژوهشی توسط نظری (۱۳۸۶)، صورت گرفت؛ نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی، تأثیر معنی‌دار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنی‌دار منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند (نظری، ۱۳۸۶: ۹۴-۷۷). تحقیقی توسط نایبی و جسور خواجه (۱۳۸۸)، در روستاهای کوچ و افشده از توابع خواجه در استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد که در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد مبارزه‌ی آنها برای کسب قدرت و منابع کمیاب مانند آب و زمین در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده دارد. البته لازم به ذکر است که تمایز گروه‌های اجتماعی در این تحقیق ذیل مناسبات خویشاوندی و طایفه‌ای دیده شده است (نایبی و جسور خواجه، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۱۵).

تحقیقی توسط رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹)، صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه‌ی معناداری مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه‌ی معنادار معکوس بوده است (رضایی کلواری و بحرینی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۳۷).

پژوهشی توسط نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷)، صورت نیز گرفت. نتایج نشان داد که پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه‌ی عینی نزاع حاکی از تأثیر معنی‌دار مثبت بوده است (نظری و امینی، ۱۳۸۷: ۲۱۰-۱۸۷).

ب) تحقیقات خارجی

در بخش تحقیقات خارجی به مواردی اشاره شده است که نکته‌ی مهم و قابل توجه در آنها می‌تواند در فهم و اهمیت موضوع مورد مطالعه مؤثر واقع شود. از آنجایی که یکی از نهادهای مهم در امر تربیت نهاد آموزش و پرورش است. برخورداری از احترام و پرهیز از تحقیر دیگران می‌تواند در تربیت و شکل‌گیری شخصیت مؤثر باشد؛ و این اتفاق از دوران کودکی مؤثر است. جاناتان گلاور در اثر خود با عنوان تاریخ اخلاقی سده‌ی بیستم به یک مورد واقعی اشاره می‌کند که بیانگر اثر تربیت در کودکی است. این اثر توسط افشین خاکباز (۱۳۹۲)، ترجمه شده است. احترام به کرامت دیگران، سپری در برابر ترس و وحشت‌های آینده است.

در افریقای جنوبی پس از دوران آپارتاید، این واقعیت که نلسون ماندلا و سایر رهبران سیاه‌پوست در برابر وسوسه‌ی بازگشت به تحقیر اقلیت سفیدپوست مقاومت کردند. در اینجا نمادگرایی اهمیت بسیاری دارد. تیم راگی غزال‌های سفید افریقایی که همه‌ی اعضای آن سفیدپوست بودند. وقتی ماندلا، در مقام رئیس جمهوری پیراهن این تیم را به تن کرد، روایت جدیدی آغاز شد. برای پاسخ به این سؤال که چرا رهبران سیاه‌پوست توانستند در برابر تحقیر سفیدپوستان مقاومت کنند؟ یکی از رهبران، اسقف اعظم دزموند توتو خاطره‌ای از ژست کمیاب احترام‌آمیز مردی سفیدپوست به نام پدر ترپور هادلستون را در کودکی خود به یاد آورد. توتو می‌گوید که در آن جامعه، زن سیاه‌پوست بی‌سوادی همچون مادر دزموند توتو هیچ ارزشی نداشت. در کنار مادر در هتل ورنادا ایستاده بودم که این مرد سفید بلند قامت که خرقة‌ی سیاهی به تن داشت از کنار ما عبور کرد و کلاهش را به نشانه‌ی سلام به مادرم از سر برداشت. واقعاً تعجب کردم. مردی سفیدپوست به احترام زنی

سیاه‌پوست، کلاه از سر بردارد. آن ژست تأثیری ماندگار بر من گذاشت و شاید کمک کرد تا در اعماق وجودم متوجه شوم که برای خدا و برای این مرد سفیدپوست ارزشمندیم. نکته‌ی مهم سخن دزموند توتو اینجاست که می‌گوید، شاید این برخورد به من کمک کرد تا با وجود رفتار خشنی که اکثر سفیدپوستان با ما داشتند با سفیدپوستان دشمن نشوم (جاناتان گلاور، ۱۳۹۲: ۲۶۳). نکته‌ی مهم این روایت واقعی عبارت است از احترام به «دیگری» و دوری از تحقیر دیگران است که می‌تواند زمینه‌ی رواداری و مدنیت را ترویج دهد و از بروز خشونت بکاهد.

تحقیق دیگری توسط تد رابرت گر با ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد (۱۳۷۷)، صورت گرفته است. گر با طرح ارزش‌ها و فرصت‌های ارزشی به علل شورش و خشونت پرداخته است. فرصت‌های ارزشی، شیوه‌های عملی که مردم برای کسب یا حفظ ارزش‌های مطلوب خود در اختیار دارند. گر علل شورش و خشونت را در در عرصه‌ی سیاسی دنبال کرده است. اما نکته‌ی مهم این است که محرومیت و احساس محرمیت را در واکنش افراد با اهمیت دیده است. به عبارتی هر چه سطح توسعه ضعیف‌تر و احساس تبعیض بیشتر باشد وضعیت خشونت پررنگ‌تر است. گر به بررسی سه متغیر از ارزش‌ها از جمله ارزش‌های رفاهی، ارزش‌های برخورداری از احترام و ارزش‌های مربوط به قدرت را در بروز خشونت‌ها مورد مطالعه قرار داده بود (گر، ۱۳۷۷: ۳۷ و ۴۹). بنابراین با توجه به اینکه سطح توسعه در مناطق روستایی و شهری مورد مطالعه ضعیف و محدود است و مناسبات پیش رو دستخوش تغییرات شده است می‌تواند مهم باشد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی این مقاله این است که بررسی آسیب‌شناسی وضعیت اقتدار در عرصه‌ی عمومی با رویکرد به نزاع‌های دسته‌جمعی چگونه است؟ این پرسش در قالب پرسش‌های انضمامی‌تر زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

- ۱- وضعیت نزاع‌های دسته‌جمعی و پیامدهای آن در محدوده‌ی مورد مطالعه چگونه است؟
- ۲- وضعیت تمایل به آرایش طایفه‌ای در مقایسه با تمایل به نهادهای مدنی و شهروندمداری در شهرستان باغملک و رامهرمز چگونه است؟
- ۳- وضعیت اقتدار در عرصه‌ی عمومی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق در بحث شناخت وضعیت موجود توصیفی است. برهه‌ی زمانی تحقیق از سال ۹۴-۱۳۹۱ بوده است. در این تحقیق از روش اسنادی برای بررسی ابعاد مفهومی اقتدار و سنخ‌های اقتدار و دیگر مفاهیم تحقیق در نوشته‌های مربوطه بهره گرفته است. این تحقیق دارای دو نمونه می‌باشد. مطالعه روی ۱۰۰ مورد نمونه نزاع‌های مربوط به عرصه‌ی عمومی که امکان دسترسی وجود داشت استفاده گردیده است. ۴۰ مورد از نمونه مربوط به شهرستان باغملک بوده است. ۲۰ مورد نمونه مربوط به روستاهای باغملک و ۲۰ مورد مربوط به شهر باغملک انتخاب شده است؛ و از ۶۰ مورد نمونه مربوط به شهرستان رامهرمز، ۴۵ مورد مربوط به شهر رامهرمز و ۱۵ مورد مربوط به روستاهای رامهرمز انتخاب شده است. چون بخش رسمی از ارائه‌ی آمار امتناع دارند دسترسی به مجموعه‌ی آمار حوادث و نزاع‌ها در قالب یک جامعه‌ی مشخص امکان‌پذیر نبوده، لذا میزان نمونه و شواهد، که امکان دسترسی وجود داشته انتخاب شده است، بنابراین آمار نزاع‌های دسته‌جمعی در شهر و روستا به مراتب بیش از نمونه تحقیق متصور است. نمونه‌ی دوم تحقیق همچنین از وضعیت برگزاری برخی گردهمایی‌ها با تمایل قومی در مقایسه با همایش‌های مدنی به عنوان بخش دوم نمونه‌ی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است؛ که از ۱۶ مورد گردهمایی در باغملک، ۱۰ مورد با تمایل طایفه‌ای و ۶ مورد با تمایل مدنی انتخاب شده است؛ و از ۱۹ مورد گردهمایی در رامهرمز ۱۲ مورد با تمایل طایفه‌ای و ۷ مورد با تمایل مدنی به‌عنوان نمونه انتخاب شده است.

یافته‌های پژوهش

بخشی از سؤال اول تحقیق وضعیت نزاع‌های دسته‌جمعی در محدوده‌ی مورد مطالعه را مطرح کرده بود. جدول ۱ نشان می‌دهد که وضعیت نزاع‌های دسته‌جمعی در شهر و روستاهای شهرستان باغملک برابر با ۵۰ درصد، در شهر رامهرمز ۷۵ درصد و در روستاهای این شهرستان ۲۵ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مقایسه و وضعیت نزاع‌ها در شهرستان‌های باغملک و رامهرمز سال ۱۳۹۴-۱۳۹۱

جمع	وضعیت نزاع		وضعیت نزاع عرصه‌ی عمومی شهر و روستا
	درصد	فراوانی	
%۵۰	%۵۰	۲۰	شهر باغملک
%۵۰	%۵۰	۲۰	روستاهای باغملک
%۱۰۰	۱۰۰	۴۰	جمع
%۷۵	%۷۵	۴۵	شهر رامهرمز
%۲۵	%۲۵	۱۵	روستاهای رامهرمز
%۱۰۰		۶۰	جمع

بخش دیگری از سؤال اول مقاله بر پیامدهای نزاع دسته‌جمعی در دو شهرستان باغملک و رامهرمز تأکید داشته است؛ همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد بیشترین پیامدهای نزاع‌های دسته‌جمعی از جمله قتل و ضرب و جرح در روستاهای باغملک و شهر رامهرمز می‌باشد. به‌عبارتی پیامد نزاع‌های دسته‌جمعی از جمله قتل، در شهر باغملک ۱۸/۷۵ درصد است و در روستاها برابر با ۸۱/۲۵ درصد را نشان می‌دهد. وضعیت پیامد نزاع در روستاهای باغملک بیش از مناطق شهری است. پیامد نزاع از جمله قتل در شهر رامهرمز ۸۶/۹۵ درصد، در حالی که در روستاهای رامهرمز ۱۳/۰۵ درصد می‌باشد. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد وضعیت قتل در رامهرمز با ۸۶/۹۵ درصد و در شهر باغملک ۱۸/۷۵ درصد را نشان می‌دهد. وضعیت ضرب و جرح در روستاهای باغملک، ۸۲/۵ درصد و در شهر ۱۷/۵ درصد می‌باشد. این وضعیت در روستاهای رامهرمز ۳۸/۱۰ درصد و در شهر رامهرمز ۶۱/۹۰ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مقایسه و وضعیت پیامدهای نزاع در شهرستان‌های باغملک و رامهرمز سال ۹۴-۹۱

جمع	قتل		جمع	ضرب و جرح		پیامد نزاع عرصه‌ی عمومی شهر و روستا
	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
%۱۸/۷۵	%۱۸/۷۵	۳	%۱۷/۵۰	%۱۷/۵۰	۷	شهر باغملک
%۸۱/۲۵	%۸۱/۲۵	۱۳	%۸۲/۵۰	%۸۲/۵۰	۳۳	روستاهای باغملک
%۱۰۰		۱۶	%۱۰۰		۴۰	جمع
%۸۶/۹۵	%۸۶/۹۵	۲۰	%۶۱/۹۰	%۶۱/۹۰	۱۳	شهر رامهرمز
%۱۳/۰۵	%۱۳/۰۵	۳	%۳۸/۱۰	%۳۸/۱۰	۸	روستاهای رامهرمز
%۱۰۰		۲۳	%۱۰۰		۲۱	جمع

سؤال دوم و سوم تحقیق را با تحلیل داده‌های جدول ۳ مورد بررسی قرار می‌دهیم. البته پاسخ به سؤال سوم تحقیق با کمک داده‌های جدول ۲ و ۳ نیز بیشتر قابل فهم است. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد در هر دو شهرستان باغملک و رامهرمز، وضعیت گردهمایی با تمایل طایفه‌ای در مقایسه با تمایل به نهادهای مدنی پررنگ‌تر نشان می‌دهد. به‌عبارتی در شهرستان باغملک تمایل به طایفه‌گرایی ۶۲/۵ درصد در مقایسه با ۳۷/۵ درصد تمایل به نهادهای مدنی وجود دارد. در شهرستان رامهرمز مشابه وضعیت شهرستان باغملک سطح توازن اقتدار مدنی با تمایل به طایفه‌گرایی نیز فاصله دارد. به‌عبارتی تمایل به طایفه‌گرایی در عرصه عمومی ۶۳/۱۵ درصد، در حالی که تمایل به نهادهای مدنی ۳۶/۸۵ درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۳: مقایسه‌ی وضعیت گردهمایی با گرایش طایفه‌ای با گردهمایی با تمایل مدنی در شهرستان‌های باغملک و رامهرمز سال ۹۴-۹۱

جمع	گردهمایی مدنی		گردهمایی طایفه‌ای		نوع گردهمایی شهر و روستا
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰٪	۳۷/۵۰٪	۶	۶۲/۵۰٪	۱۰	شهرستان باغملک
۱۶		۶		۱۰	جمع
۱۰۰٪	۳۶/۸۵٪	۷	۶۳/۱۵٪	۱۲	شهرستان رامهرمز
۱۹		۷		۱۲	جمع

نتایج و بحث

این مقاله با هدف بررسی آسیب‌شناسی وضعیت اقتدار پیرسالاری و اقتدار مدنی در عرصه عمومی با تاکید بر نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان باغملک و رامهرمز نگارش یافته است. این تحقیق از روش اسنادی و مطالعه بر روی ۱۰۰ مورد نزاع دسته‌جمعی صورت گرفته است. ۴۰ مورد در باغملک و ۶۰ مورد در رامهرمز به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. بعد دیگر نمونه‌ی تحقیق ۱۶ مورد گردهمایی با گرایش طایفه‌گرایی و تمایل مدنی در باغملک و ۱۹ مورد در رامهرمز نمونه‌ی دوم تحقیق بوده است. این مقاله بر سه پرسش استوار است که در این قسمت به تحلیل و تفسیر آنها پرداخته شده است. تحلیل پرسش اول تحقیق که عبارت بوده است از اینکه وضعیت نزاع و پیامدهای آن در شهرستان‌های مورد مطالعه چگونه است؟ یافته‌ها نشان داد که نزاع‌های خیابانی در عرصه عمومی شهر باغملک و روستاهای آن هر کدام برابر با ۵۰ درصد بوده است (جدول

۱). نکته‌ی حائز اهمیت اینکه شدت و پیامدهای نزاع جمعی از جمله قتل و خشونت در عرصه‌ی عمومی روستاهای باغملک ۸۱/۲۵ درصد و در شهر ۱۸/۷۵ درصد بوده است (جدول ۲). بنابراین شدت و پیامد نزاع در روستاهای باغملک نگران‌کننده است. این نگرانی در روستاهای شرق شهرستان بیشتر بوده است. بعد دیگر یافته‌ها نشان می‌دهند که وضعیت نزاع در شهر رامهرمز برابر با ۷۵ درصد و در روستاها ۲۵ درصد بوده است (جدول ۱). پیامد نزاع‌های دسته‌جمعی از جمله قتل و خشونت در عرصه‌ی عمومی شهر رامهرمز ۸۶/۹۵ درصد در مقایسه با ۱۳/۰۵ درصد مناطق روستایی بوده است. وضعیت نزاع و پیامدهای آن در شهر رامهرمز نگران‌کننده و قابل هشدار است (جدول ۲). وضعیت نزاع و پیامدهای آن در شهر رامهرمز در مقایسه با شهر باغملک نگران‌کننده است. ولی این نگرانی در روستاهای رامهرمز در مقایسه با روستاهای باغملک کمتر می‌باشد. همان‌گونه که پررنگ شدن تمایز طایفه‌ای و قومی در بروز نزاع در نتایج پژوهش‌های نظری و آمینی فسخودی (۱۳۸۷)، رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹)، نظری (۱۳۸۶)، ناییبی و جسور خواجه (۱۳۸۸)، تأیید شده بود، لذا یافته‌های این تحقیق با یافته‌های پیشینه‌ی تحقیق نیز همخوانی نشان می‌دهند. در خصوص تحلیل سؤال دوم تحقیق یعنی اینکه وضعیت تمایل به طایفه‌گرایی در مقایسه با تمایل به نهادهای مدنی و شهروندمداری در شهرستان باغملک و رامهرمز چگونه است؟ برای تحلیل این پرسش وضعیت گردهمایی با تمایل به طایفه‌گرایی در مقایسه با تمایل به نهادهای مدنی بررسی شده است. یافته‌ها نشان داده‌اند که در باغملک ۶۲/۵۰ درصد تمایل به طایفه‌گرایی در مقابل ۳۷/۵۰ درصد تمایل به سازمان‌های مردم نهاد بوده است. در رامهرمز نزدیک به وضعیت باغملک، برابر با ۶۳/۱۵ درصد تمایل به طایفه‌گرایی در مقایسه با ۳۶/۸۵ درصد تمایل به نهادهای مدنی بوده است (جدول ۳). برای تحلیل سؤال سوم تحقیق که عبارت بوده است از اینکه وضعیت اقتدار در عرصه‌ی عمومی چگونه است؟ با توجه به یافته‌ها و تحلیل سؤال اول و دوم تحقیق و همخوانی یافته‌ها با پیشینه، چنین قابل فهم است که در عرصه‌ی عمومی نقش میانجی «اقتدار پیرسالاری» متأثر از اقتدار و نظم سنتی کمرنگ، ناکارکرد و رو به زوال رفته است. عرصه‌ی عمومی شهر و روستا در راستای جایگزینی و احیای اقتدار در قالب نهادهای مدنی و قانونی با وضعیت پاندولی و بعضاً تعلیق اقتدار گرفتار نشان داده است. تحریک‌پذیری و تصمیم‌گیری جوانان در نزاع‌ها پررنگ‌تر از «اقتدار ریش‌سفیدی» حکایت دارد. یافته‌ها نشان داد که فعالیت احزاب و نهادهای مدنی کمرنگ و در حاشیه قرار داشته‌اند. توسعه می‌تواند توازن قدرت اجتماعی با قدرت سیاسی تلقی شود. بنابراین یافته‌های تحقیق نشان

داد که در سال‌های اخیر برگزاری گردهمایی‌های قومی و طایفه‌ای به نسبت گردهمایی‌های مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد پررنگ‌تر بوده است. لذا بیانگر و نشانه‌ی پایین بودن سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌نیافتگی است؛ که با بخش نظری تحقیق (هابرماس)، (وبر) و (اسکوبار) نیز قابل دفاع است. به همین اعتبار و مشاهده‌ی وضعیت پیش رو در عرصه‌ی عمومی چنین قابل فهم است که با فرو ریختن اقتدار ریش‌سفیدی متأثر از سنت و عدم استقرار نهادهای مدنی و افزایش خشونت‌های ناشی از نزاع جمعی، عرصه‌ی عمومی در یک وضعیت «تعلیق اقتدار»، تعویق و بعضاً وضعیت «پاندولی» در عرصه‌ی عمومی گرفتار است. با ادامه‌ی تعویق و بلا تکلیف ماندن توسعه‌ی مدنی امکان کنش ارتباطی برای گفتگو ضعیف و شکننده خواهد بود؛ که با دیدگاه هابرماس قابل فهم می‌باشد. از منظری دیگر با توجه به تأکید جان اتان گلور (۱۳۹۳)، مبنی بر برخورداری از احترام انسان‌ها و همچنین مؤلفه‌های مورد پژوهش تد رابرت گر (۱۳۹۶)، از جمله ارزش‌های رفاهی، ارزش‌های برخورداری از احترام و ارزش‌های مرتبط با سهم شهروندان از قدرت با خشونت اجتماعی ارتباطی معکوس دارد. با توجه به نابرابری‌ها و توسعه‌نیافتگی و یافته‌های تحقیق، وضعیت موجود جامعه با بروز بحران‌های اجتماعی از جمله نزاع و پیامدهای آن یعنی خشونت نیز متصور است. امکان گفتگو و رواداری در عرصه‌ی عمومی ضعیف و شکننده است. وضعیتی که نگران‌کننده و قابل هشدار است. با عنایت به وضعیت موجود و نتایج تحقیق، اهمیت بسترسازی توسعه‌ی پایدار و عدالت‌محور با رویکرد به مشارکت و آزادی‌های مدنی ضرورت دارد. چنین روندی به اعتبار چارچوب نظری و پیشینه‌ی تحقیق قابل هشدار می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود که نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی با اهمیت دادن به سطح پیرامون و در حاشیه، توجه نماید. تا زمینه‌ی شکل‌گیری قدرت اجتماعی برخاسته از نهادهای عرصه‌ی عمومی، در فرایند توسعه‌ی پایدار و شهروندمدار امکان تحقق پیدا نماید.

نتیجه‌گیری

در راستای تحلیل سؤال اول تحقیق یافته‌ها نشان دادند که پیامد نزاع از جمله قتل و خشونت در روستاهای باغملک با ۸۱/۲۵ درصد و بیشتر از شهر بوده است. نگرانی از وضعیت نزاع دسته‌جمعی با ۵۰ درصد و پیامدهای آن با ۸۱/۲۵ درصد در عرصه‌ی عمومی روستاهای باغملک (از جمله پتک جلالی و ...) در مقایسه با روستاهای رامهرمز بیشتر می‌باشد. وضعیت نزاع در رامهرمز ۷۵ درصد در مقایسه با ۲۵ درصد در مناطق روستایی

بوده است. پیامد نزاع از جمله قتل و خشونت در عرصه‌ی عمومی شهر رامهرمز ۸۶/۹۵ درصد بوده است. تحلیل سؤال دوم تحقیق نشان داد که وضعیت تمایل به طایفه‌گرایی در باغملک ۶۲/۵۰ درصد در مقایسه با ۳۷/۵۰ درصد تمایل به نهادهای مدنی بوده است. در رامهرمز تمایل به طایفه‌گرایی با ۶۳/۱۵ درصد در مقایسه با ۳۶/۸۵ درصد تمایل به نهادهای مدنی بوده است. وضعیت نزاع و پیامدهای آن در مناطق روستایی باغملک و شهر رامهرمز نگران‌کننده بوده است. برای تحلیل سؤال سوم چنین قابل فهم است که با عنایت به گرایش به طایفه‌گرایی که پررنگ‌تر از تمایل به نهادهای مدنی بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که از یک طرف «اقتدار ریش‌سفیدی» ناکارکرد و از سوی دیگر گرایش به طایفه‌گرایی برجسته‌تر است؛ که بیانگر سطح توسعه‌ی اجتماعی و مدنی ضعیف و پایین بودن سرمایه‌ی اجتماعی است. تعویق و تعلیق اقتدار یا به عبارتی بلا تکلیف بودن امر نهادهای مدنی زمینه‌ی بروز مسائل اجتماعی در عرصه‌ی عمومی است. زیرا عرصه‌ی عمومی با یک وضعیت «پاندولی» و بعضاً با «تعلیق اقتدار» گرفتار است. امکان کنش ارتباطی در راستای گفتگو و مصالحه ضعیف خواهد بود، یافته‌ها با چارچوب نظری قابل دفاع بوده و با نتایج پیشینه‌ی تحقیق همخوانی نشان داده‌اند. لذا بررسی و تحقیقات بیشتر و نگاه سیاست‌های کلان به پیرامون در ابعاد مختلف جامعه‌ی روستایی و شهری توصیه می‌گردد.

فهرست منابع:

- احمدی، حمید، و بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۲). "پسا توسعه‌گرایی و بازنمایی‌های انتقادی از گفتمان توسعه؛ رویکرد مردمی"، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، ۳(۵).
- ارشاد، فرهنگ و حزباوی، عزیز (۱۳۸۴). "بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز"، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲.
- استونز، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران: انتشارات مرکز.
- رضایی کلواری، نورالله، و بحرینی، مجید (۱۳۸۹). "مطالعه رابطه‌ی عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان"، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره‌ی ۲۲.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۲). توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵). ابعاد و کارکردهای سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، تهران: گروه مؤلفان، انتشارات پیام نور.
- عبداللو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشرنی.
- فلوریدا، ریچارد (۱۳۹۰). شهرها و طبقه‌ی خلاق، ترجمه‌ی ابراهیم انصاری و محمداسماعیل انصاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فیروزآبادی، سید احمد، و صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). طرد اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قانع‌راد، سید محمدمین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری، فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده‌ی مدنی؟، تهران: نشر نقد فرهنگ.
- کردزنگنه، منوچهر (۱۳۸۵). "بررسی وضعیت تحرک مکانی و اجتماعی جنسیتی مناطق روستایی و تأثیر آن بر کاهش شانس طبیعی ازدواج در میان دختران روستایی: (مطالعه‌ی موردی: شهرستان باغملک)"، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره‌ی اول، شماره اول.
- گلاور، جانانان (۱۳۹۳). انسانیت: تاریخ اخلاقی سده بیستم، ترجمه‌ی افشین خاکباز، تهران: انتشارات آگه.
- گر، تد رابرت (۱۳۹۶). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد، تهران: نشر پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ پنجم.

نایبی، هوشنگ، و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). "ریش‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستاهای کویچ و افشده از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه‌ی توسعه‌ی روستایی، شماره‌ی ۱، پیاپی ۳۶.

نظری، جواد (۱۳۸۶). "تبیین جامعه‌شناسی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام"، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره‌ی ۱۰.

نظری، جواد، و امینی فسخودی، عباس (۱۳۸۷). "تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام"، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۵۴.

نیکدل، فربرز، و پیراسته مطلق، علی‌اکبر (۱۳۹۴). "خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۹.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۹). نقد در حوزه‌ی عمومی، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر نی.